

تحلیل محتوای کتاب المصطلحات المتداولة فی الصحافة العربية

علی صیادانی*

حسین وظیفه‌شناس**

چکیده

تألیف کتب آموزشی در رشته مترجمی زبان عربی، کمک شایانی در بهبود وضعیت ترجمه از زبان عربی به فارسی داشته است. بیشترین کتاب‌های تألیف شده در این زمینه، در موضوعات سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای، اجتماعی و ورزشی است. نکته قابل توجه در تدوین و تألیف چنین آثاری، این است که در کنار محاسن آن‌ها نباید از کاستی‌ها در حوزه نگارش، ساختار و ترجمه غافل بود. کتاب المصطلحات المتداولة فی الصحافة العربية جزو این آثار و گزیده‌ای از مطبوعات عربی و ترجمه آن به زبان فارسی است. اثر مذکور به دلیل تدریس و اعتبار علمی‌اش، نباید دارای نواقص علمی در این حوزه باشد. با توجه به شواهد مورد نظر در اثر، روش پژوهش حاضر، روش توصیفی - تحلیلی براساس داده‌های موجود در متن است. مقاله حاضر ضمن برشماری محاسن کتاب، به ارزیابی کمبودها و ارائه پیشنهادهایی به منظور رفع آن‌ها در حوزه‌های ساختار، محتوا، نگارش و ترجمه می‌پردازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که به ساختار کلی کتاب و رعایت الزامات آن از جمله: روزآمدی، ذکر علمی منابع، اشاره به نوع آموزش و تدریس کمتر توجه شده است. همچنین عملکرد مترجم محترم در برگردان جملات و عبارات از مطبوعات عربی به زبان فارسی، به صورت ترجمه تحت‌اللفظی بوده و از ساخت نحوی زبان مبدأ تبعیت کرده و به اصول ترجمه توجه کافی نداشته است.

کلید واژه‌ها

ارزیابی کتاب، ساختار، محتوا، ترجمه، محمدرضا عزیزی‌پور.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (a.sayadani@azaruniv.ac.ir) (نویسنده مسئول).

** دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (vazefeshenas123@gmail.com).

DOI: 10.30487/rwab.2019.36385

دریافت: ۹۷/۱/۳۱ پذیرش: ۹۸/۵/۷

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۶-۱۸۳

مقدمه

ترجمه متون رسانه‌ای به ویژه مطبوعاتی، از مهم‌ترین واحدهای درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در دو گرایش زبان و ادبیات عربی و مترجمی زبان عربی است. بیشترین هدف‌گذاری در زمینه ترجمه شفاهی و هم‌زمان است که تمرکز اصلی آن بر ترجمه متون رسانه‌ای و مطبوعاتی است. با تکیه بر همین نکته، کتب آموزشی و دانشگاهی باید با دقت بیشتری در این حوزه تدوین شود تا اهداف آموزشی به‌خوبی اجرایی گردد و به عبارتی کم و کیف کار سنجیده شود. با ارزیابی آثار ادبی و غیرادبی، کاستی‌ها و البته آشکار شدن ویژگی‌ها و شکوفایی استعدادها نمایان می‌شود. کتاب *المصطلحات المتداولة فی الصحافة العربیة* نمونه‌ای در زمینه ترجمه از زبان عربی به زبان فارسی در حوزه مطبوعات است که دکتر محمدرضا عزیزی‌پور (۱۳۹۳) آن را تألیف کرده است، و به عنوان نمونه موردی در این مقاله بررسی خواهد شد. «بررسی باید معرف امین و صدیق اثر باشد، به گونه‌ای که نه حق صاحب اثر را ضایع کند و نه خریداران و مشتریان را مغبون» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۷). با ارزیابی آثار ترجمه شده می‌توان ترجمه‌های موفق را از ترجمه‌های ضعیف تمییز داد، با شیوه کار و ذوق و سلیقه مترجمان ورزیده آشنا شد، تفاوت میان روش‌های ترجمه را در عمل دید و تعاریف و نظریه‌های ارائه شده درباره فن ترجمه را بهتر درک کرد.

«منتقد ترجمه نباید در مقابله آثار دچار وسواس شود و دائم به دنبال ایرادگیری باشد، بلکه باید بکوشد با تجزیه و تحلیل درست و منطقی، معیارها و اصول رعایت شده در هر ترجمه را مشخص کند و در واقع نقش سخنگوی مترجم را ایفا کند؛ زیرا مترجم در حین کار ترجمه و پس از آن نیازی نمی‌بیند درباره جزئیات و نحوه ترجمه و اصولی که از آن‌ها برای برگردان متون مختلف استفاده می‌کند سخنی بگوید. پس این وظیفه منتقد و تحلیل‌گر مسائل ترجمه است که راز و رمز نهفته در ترجمه او را برای دیگران آشکار سازد و اگر به نکته‌ای در خور اهمیت برخورد که مترجم نسبت به آن بی‌توجه و غافل بوده است، آن را نیز گوشزد کند» (کمالی، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

برای نقد ترجمه باید اصول مشخص شده‌ای را در نظر گرفت و زبان مبدأ و زبان مقصد را بررسی کرد تا جایگاه هر کدام از متن‌ها نسبت به محیط فرهنگی و اجتماعی آن جامعه مشخص گردد. نکته مهم در بررسی متون ترجمه شده این است که نباید ارزیابی و نقد را در یک طیف معنایی قرار داد، زیرا در ارزیابی، همان‌گونه که مشخص است، معیار، دقت و عدم انحراف مترجم از متن مبدأ است؛ اما در نقد، بُعد نظری ترجمه بررسی می‌شود. این

روش هم شیوه کار مترجم را بررسی می‌کند و هم موفقیت‌ها و کاستی‌های مترجم را نقد می‌کند. لذا برای مشخص کردن تمایز میان ترجمه موفق و ترجمه ضعیف، ابعاد نظری و عملی کار ترجمه ارزیابی و نقد می‌شود تا ضمن بررسی کاستی‌ها، میزان موفقیت مترجم و نکات برجسته کار وی آشکار گردد تا کمکی برای بهبود وضعیت ترجمه باشد.

ترجمه در حوزه مطبوعات باید مبتنی بر واقعیت باشد و تحریف خبر در آن صورت نگرفته باشد، زیرا مخاطبان اخبار را پیگیری می‌کنند و همواره دنبال واقعیت هستند؛ لذا کوچک‌ترین اهمال یا کم‌توجهی در ارائه آن به مخاطب، ذهن را از واقعیت دور خواهد کرد و موجب انعکاس کذب و تحریفات می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

۱. چهارچوب اثر با معیارهای کتب آموزشی و دانشگاهی، از حیث ساختار و محتوا چگونه سامان یافته است؟
 ۲. کارکرد اصلی اثر که همان ترجمه است، چگونه توانسته نقش اصلی خود را در امر ترجمه متون مطبوعاتی ایفا کند؟
- می‌توان فرضیه پژوهش را این‌گونه مطرح کرد: ساختار کتاب از حیث محتوایی کیفیت قابل قبولی دارد، اما به عنوان یک اثر آموزشی نسبت به برخی از اصول نگارشی، ساختاری، محتوایی و مهم‌تر از همه این موارد به ترجمه - که محور اصلی آن است - کم‌توجهی شده است و کاستی‌هایی در تقدیم این اطلاعات به دانشجویان در این زمینه وجود دارد که می‌توان این کمبودها را در اشاره نکردن به فنون ترجمه، ذکر نکردن مترادفات برای اصطلاحات تخصصی، و در نوع ترجمه که بیشتر تکیه بر ترجمه نزدیک به عبارات یا اصطلاحات است، برشمرد.

پیشینه پژوهش

نقد و ارزیابی براساس یافته‌های قبلی صورت می‌گیرد و تأمل در موارد به دست آمده، کمک شایسته‌ای برای تکمیل آثار بعدی است. در زمینه نقد و ارزیابی در حوزه روزنامه و مجلات عربی، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است، از جمله:

۱. مقاله «نقد و بررسی کتاب *دراسة منهجية في الترجمة الصحف و المجلات*» نوشته محمدرضا عزیزی پور (۱۳۹۵) در *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*.

نویسنده در این پژوهش به بیان قوت و ضعف‌های اثر پرداخته و در پایان بحث راهکارهایی برای رفع نواقص ارائه کرده است.

۲. پژوهشی با عنوان *نقد کتاب روزنامه‌ها و مجلات عربی دکتر رضا ناظمیان*، نوشته محمد رضا عزیزی پور (۱۳۹۰). نویسنده در پژوهش خود به بررسی محتوای کتاب پرداخته و دقت نویسنده در ترجمه و معادل‌یابی را از قوت‌های کتاب دانسته است و نیز اشاره نکردن به تأثیرپذیری کتاب و مطالب آن را از جمله ضعف‌های آن می‌داند؛ بخشی از اثر برگرفته از آزمون‌های کارشناسی ارشد است که مؤلف به آن‌ها اشاره‌ای نکرده است.

۳. مقاله «چالش‌های مترجم (نمونه پژوهی ترجمه یک متن سیاسی - رسانه‌ای از عربی به فارسی)»، نوشته یدالله ملایری (۱۳۹۳) در *فصلنامه جستارهای زبانی*. مؤلف در اثر خود ضعف‌های ترجمه را بررسی کرده است و افراط و تفریط، آشنا نبودن با محتوا، ترجمه تحت‌اللفظی و نیز تأثیرپذیری از زبان اول را نقص ترجمه می‌داند و آگاهی کامل داشتن به متن و ترجمه را توصیه می‌کند.

۴. پژوهش دانشگاهی با عنوان *طراحی الگویی برای آموزش مهارت ترجمه از زبان عربی به فارسی و برعکس در مقطع کارشناسی دانشگاه‌های ایران (متون مطبوعاتی و رسانه‌ای) در دانشگاه تربیت مدرس*، به گردآوری سیدعلاء نقی‌زاده، به عنوان رساله دکتری در آذرماه ۱۳۹۵. پژوهشگر پس از بررسی مشکلات این حوزه براساس ترکیبی از چند نظریه پیشنهاد داده است که توان دوزبانگی تقویت شود و نیز درک مطلب و سطح دانش ارتقا یابد و همچنین سرفصل‌ها براساس رویکرد کارگاهی و تکلیف‌محور باشد.

۵. مقاله «ترجمه متون مطبوعاتی: بررسی مشکلات دانشجویان ایرانی در ترجمه»، تألیف رامین رحیمی (۱۳۸۲) در *مطالعات ترجمه*. نویسنده ابتدا به مشکلات مربوط به ترجمه این گونه متون پرداخته است و سپس نتیجه می‌گیرد که دانش زمینه‌مربوط به متون مطبوعاتی داخلی، در ترجمه بهتر این گونه متون مؤثر است.

اما در مورد کتاب موردنظر تنها پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در نقد مختصری، به بررسی شکل، محتوا و خطاهای موجود در کتاب پرداخته و در ادامه نیز پیشنهادهایی برای بهبود نواقص مطرح شده ارائه کرده است. با توجه به نکات مطرح در این بخش، پژوهشگران سعی دارند به ارزیابی ساختاری و محتوایی کتاب مذکور بپردازند و تمام قوت و ضعف‌های موجود و راهکارهای مؤلف را در ارائه نکات آموزشی بررسی کنند و در صورت لزوم راهکارها و نکات تکمیلی را مطرح سازند.

چهارچوب نظری پژوهش

مقاله حاضر شامل سه بخش اصلی است: نقد، سبک، و ویژگی‌های فرهنگی در ترجمه از زبان عربی به زبان فارسی.

۱. نقد

نقد ساختاری: در این حوزه مجموعه‌های روزآمدی، ارتباط با ترجمه و تراوش ذهنی برای ایجاد سؤال بیان می‌شود (رضی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۴). در ساختار نحوی، رسم‌الخط زبان و علائم نگارشی بررسی می‌شود (رضی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۷).

نقد محتوایی: در این نوع نقد، درباره محتویات جامع کتب دانشگاهی یعنی مقدمه، فهرست‌بندی، تقسیم موضوعات، نتیجه‌گیری در هر بخش، استفاده از اشکال، واژه‌نامه تخصصی، تمرین‌ها، ارجاعات و توضیح برخی اصطلاحات بحث خواهد شد (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸-۴۱).

۲. سبک

ساخت نحوی زبانی: مترجم پس از بهره‌گیری از دستور زبان مبدأ، متن موردنظر را براساس موازین زبان مقصد تطبیق می‌دهد و ترجمه می‌کند (فاضلی و تقیه، ۱۳۷۹: ۶۸). مترجم با تقدیم و تأخیر اجزاء جمله و با شناخت زبان مقصد، متن را بازنویسی می‌کند.

تقدیم خبر بر مبتدا: در زبان عربی قواعد دستوری معینی برای هماهنگی میان واژگان یک جمله وجود دارد: جمله اسمیه: مبتدا+ خبر و جمله فعلیه: فعل+ فاعل+ مفعول و... اما غالباً در جمله تقدیم و تأخیرهایی به وجود می‌آید. مثلاً تقدیم خبر بر مبتدا یا مفعول بر فعل و فاعل. این تقدیم و تأخیر یا براساس اصول دستور زبان عربی است یا طبق اصول بلاغی. اگر تقدیم و تأخیر بر حسب دستور زبان باشد، ملزم به پابندی آن در ترجمه نیستیم؛ زیرا در بسیاری موارد رعایت این تقدیم و تأخیرها به هنگام ترجمه سبب اراده ترجمه‌هایی کاملاً تحت‌اللفظی می‌گردد که باید از آن پرهیز کرد. برای مثال، مع علی صدیقه: دوست علی با اوست (و نه: با علی است دوستش). ولی در صورت رعایت اصول بلاغی، لازم است وجه بلاغی را بشناسیم سپس چگونگی ارائه آن را در فارسی بیابیم (فاتحی‌نژاد و فرزانه، ۱۳۸۲: ۴۱).

تقدیم فعل و حذف آن بدون قرینه: بخشی از مبحث تقدیم و تأخیر است که در نحو کاربرد دارد و حذف فعل به معنای تناسب نداشتن فعل جمله دوم با جمله گذشته است و

این نوع حذف خطاست (نیکوبخت، ۱۳۸۸: ۷۴). این مورد به دلیل خروج از قواعد و اصول زبان فارسی، گرتة برداری نادرست از زبان بیگانه، پیروی از الگوهای بیگانه در ساخت زبان مقصد و عوامل دیگر، خروج از قواعد و معیارهای زبان فارسی معیار تلقی می‌شود که در ترجمه تأثیر دارد (نیکوبخت، ۱۳۸۸: ۳۹). این بخش با در نظر گرفتن معیارهای نحوی زبان مقصد، سبک دستوری آن را به کار می‌بندد و همچنین به طور مشخص و عملی در متن‌های مختلف، در حوزه ترجمه و تألیف اعمال می‌شود.

سبک واژگان: بررسی گونه‌های مختلف زبانی در انتخاب معادل مناسب برای متن مبدأ است (فقهی و نصیری، ۱۳۸۹: ۸۱).

همنشینی: کلمات مختلف از طریق استعمال در کنار هم، معنای اولیه خود را از دست می‌دهند و مفهوم دیگری را می‌رسانند (فقهی و نصیری، ۱۳۸۹: ۹۶).

گرتة برداری: روگرفت یا ترجمه قرضی، به معنای تبعیت از الگوی زبان بیگانه در ترجمه یا تألیف در سطوح واژگانی، معنوی و نحوی است (نیکوبخت، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

ترادف: استفاده از چند معادل پی‌درپی برای یک واژه است که می‌تواند سبک نگارش را تغییر دهد (نیکوبخت، ۱۳۸۸: ۸۲).

اشتراکات لفظی: تشابه واژگان در لفظ و تفاوت در معنی در زبان مبدأ و زبان مقصد است، به طوری که واژه در هر دو زبان مثل هم نوشته شود ولی معنای مختلفی از آن برداشت گردد (معروف، ۱۳۹۲: ۸۰).

ترجمه تحت‌اللفظی: پابندی بیش از حد مترجم به کلمات متن اصلی بدون توجه به مفهوم آن است (معروف، ۱۳۹۲: ۱۳).

ترجمه آزاد: ترجمه‌ای است که مترجم به دلخواه خود عبارات و کلمات متن اصلی را پس و پیش می‌کند یا کاهش و افزایش می‌دهد (معروف، ۱۳۹۲: ۱۹).

ترجمه جمع به مفرد: برخی از واژگان وجود دارند که معادل‌سازی آن‌ها به صورت جمع به مفرد انجام شده است. به بیانی دیگر، معادل واژه جمع که لازم است در ترجمه جمع باشد، به صورت مفرد برگردان شده است که این از عیوب ترجمه است و این نقص در ترجمه متون رایج شده است، لذا مطلبی مهم برای ارزیابی و نحوه کاربرد آن در این اثر بیان خواهد شد.

حذف: مواردی که در متن اصلی موجود هستند، ولی در ترجمه به زبان مقصد معادل‌سازی صورت نگرفته است (فقهی و نصیری، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۸).

۳. ویژگی‌های فرهنگی در ترجمه از زبان عربی به زبان فارسی
این بخش برابریابی اصطلاحات و جملات زبان عربی را در چهارچوب فرهنگی آن در زبان مقصد بررسی خواهد کرد (فقهی و نصیری، ۱۳۸۹: ۹۲؛ میرزاسوزنی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

روش تحقیق

اساس پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی خواهد بود تا کیفیت محتوا، ساختار و ترجمه، با تکیه بر نمونه‌های داخل متن ارزیابی شود و کاستی‌های آن ذکر گردد. «ارزیابی، قضاوت درباره ارزش و کیفیت یک پدیده از طریق سنجش آن به وسیله یک الگو یا با مجموعه‌ای از معیارها می‌باشد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۱).

معرفی کلی اثر

کتاب: کتاب المصطلحات المتداوله فی الصحافه العربیه در ۲۱۸ صفحه با موضوع ترجمه متون مطبوعات عربی، با هدف آموزش تألیف، و در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار چاپ شد. این کتاب دارای قطع وزیری، صفحه‌عنوان، شناسنامه، فهرست و مقدمه، و در نه بخش جامع تدوین شده است؛ هفت بخش آن مربوط به متن اصلی کتاب، شامل موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، علمی، پزشکی و ورزشی است و دو بخش آخر به نمونه متن‌های روزنامه‌های عربی، واژگان و ذکر منابع می‌پردازد. کتاب مذکور با وجود برخی کمبودها از توجه ویژه در گروه‌های زبان عربی برخوردار است و یکی از منابع اصلی در حوزه ترجمه زبان عربی محسوب می‌شود.

نویسنده: محمدرضا عزیزی پور از استادان حاضر رشته زبان و ادبیات عربی است. کارنامه علمی و فعالیت‌های پژوهشی وی در این حوزه از جمله: کتاب صرف و نحو کاربردی (عزیزی پور و همکاران، ۱۳۹۰)، مقالاتی با عنوان «نقد و بررسی کتاب دراسته منهجیه فی ترجمه الصحف و المجالات: العربیه - الفارسیه» - اثر منصوری و طهماسبی (۱۳۸۸) - (عزیزی پور، ۱۳۹۵) و «دراسته حول الأدب المهجری» (عزیزی پور، ۱۳۷۹) و همچنین مقاله‌ای با عنوان «وطن در شعر مقاومت فلسطین» (عزیزی پور و همکاران، ۱۳۹۱) است. ایشان هم اکنون در دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کردستان، با عنوان استادیار فعالیت می‌کند.

نقد ساختاری کتاب

روز آمدی: به روز بودن یک اثر یا نوشته به معنای آن است که آن اثر بتواند به سؤالات مطرح شده پیرامون موضوع پاسخ دهد. همان طور که قبلاً ذکر شد این کتاب، اثری نسبتاً موفق در زمینه ترجمه مطبوعات عربی است و مخاطبان پیگیر رسانه‌های عربی، با مطالعه آن مشکل چندانی در فهم اخبار و متون مطبوعاتی نخواهند داشت.

مرتبط با اصول ترجمه: بیشتر کتب حوزه ترجمه به اصول و قواعد این کتاب توجه دارند. این اثر مثل کتب تألیفی، همچون کتاب روزنامه‌ها و مجلات عربی: ترجمه متون عربی (ناظمیان، ۱۳۸۸) به اصول ترجمه و صرف و نحو نپرداخته و فقط نمونه‌ای در ترجمه است.

ایجاد سؤالات جدید در ذهن خواننده: بحث در مورد ابعاد تازه و استخراج مباحث جدید اثر، بدون نظرسنجی مشکل بوده و ملاک، میزان مراجعه به این کتاب به عنوان منبع یادگیری ترجمه متون مطبوعات عربی است.

زبان اثر: شامل قواعد زبانی مربوط به ساختارهای دستوری، رعایت رسم الخط رسمی، علائم نگارشی و غیره است. بی توجهی به این موارد موجب اشتباه در خوانش واژه و محتوای پیام می‌شود؛ علائم نگارشی و حرکت گذاری نمونه‌ای از این موارد هستند. در این اثر برخی کاستی‌ها نسبت به زبان صورت گرفته است که می‌توان نمونه‌های آن را در رعایت نکردن رسم الخط رسمی و علائم نگارشی مشاهده کرد.

۱. رسم الخط رسمی. هر زبان دارای خط نوشتاری رسمی است که باید رعایت شود. «خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند، البته در نقل آیات و عبارات قرآن کریم، رسم الخط قرآنی رعایت شود» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰: ۹). برای نمونه در صفحه ۸۹ آمده است:

سَدَدَتْ بَاكِسْتَانَ الَّتِي تُعَانِي ضَائِقَةً مَالِيَّةً مُتَأَخِّرَاتِهَا لِلْبَنْكِ الدُّوَلِيِّ مِمَّا يَضْمَنُ لَهَا إِمْكَانَ اقْتِرَاضِ مِبَالِغٍ إِضَافِيَّةٍ لِتَخْفِيفِ وَطْأَةِ عَقُوبَاتِ اقْتِصَادِيَّةٍ فُرِضَتْ عَلَيْهَا بَعْدَ تِجَارِيَّتِهَا النَّوَوِيَّةِ الْأَخِيرَةِ.

در این مثال متوجه می‌شویم رسم الخط عربی در نقطه گذاری در زیر [ی] رعایت نشده است که این گونه اصلاح می‌شود:

سَدَدَتْ بَاكِسْتَانَ الَّتِي تُعَانِي ضَائِقَةً مَالِيَّةً مُتَأَخِّرَاتِهَا لِلْبَنْكِ الدُّوَلِيِّ مِمَّا يَضْمَنُ لَهَا إِمْكَانَ اقْتِرَاضِ مِبَالِغٍ إِضَافِيَّةٍ لِتَخْفِيفِ وَطْأَةِ عَقُوبَاتِ اقْتِصَادِيَّةٍ فُرِضَتْ عَلَيْهَا بَعْدَ تِجَارِيَّتِهَا النَّوَوِيَّةِ الْأَخِيرَةِ.

۲. علائم نگارشی. شاید پرسیده شود که آیا بی توجهی به علائم نگارشی در فهم متن مؤثر است یا نه؟ و اصلاً لزوم توجه به این علائم چیست؟ طبیعتاً این علائم برای سهولت در امر خوانش و جدا کردن مطالب از همدیگر اعمال می‌شوند، و سهولت قرائت زمانی میسر می‌شود که در متون علمی یا ادبی این علامت‌ها در جایگاه مناسب خود رعایت شود. نشانه‌های نگارشی کارکردهای ویژه‌ای دارند که توجه به آن‌ها ضروری است. در اثر مذکور در رعایت این علائم سهل‌انگاری صورت گرفته است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

- حزب الله، المقاومة ستستمر حتى دخر الاحتلال (ص ۱۰۱): حزب الله، مقاومت تا بیرون راندن اشغالگران ادامه خواهد یافت.

جمله ایراد شده، نقل قول است، لذا استفاده از «ویرگول» که برای عطف و جدا کردن بدل، تاریخ و عبارت اعتراضی مناسب است، در چنین جملاتی به جای «دونقطه» کاربرد ندارد.

ترجمه پیشنهادی: حزب الله: مقاومت تا بیرون راندن اشغالگران ادامه خواهد یافت.
- اطلعت الجمهورية الإسلامية الإيرانية الأمين العام للأمم المتحدة على انتهاكات عراقية جديدة لقرار وقف إطلاق النار (ص ۱۱۵): جمهوری اسلامی ایران دبیر کل سازمان ملل متحد را از تجاوزات تازه عراق در مورد پیمان آتش‌بس آگاه کرد.

ترجمه پیشنهادی: جمهوری اسلامی ایران، [دبیر کل سازمان ملل متحد را از تجاوزات تازه عراق،] در مورد پیمان آتش‌بس آگاه کرد.

- اعتبر حزب الوحدة الإسلامية مؤتمر السلام الأفغاني الذي انعقد مؤخراً في طهران خطوة إيجابية لإقرار السلام (ص ۱۵): حزب وحدت اسلامی کنفرانس صلح افغانستان را که اخیراً در تهران برگزار شد، گامی مثبت در جهت برقراری صلح دانست.

ترجمه پیشنهادی: حزب وحدت اسلامی، [کنفرانس صلح افغانستان را که اخیراً در تهران برگزار شد، گامی مثبت در جهت برقراری صلح دانست.

در هر دو مثال مذکور تکیه ما بر شتابزدگی در تفکیک نکردن بخش‌های جمله و مکث نکردن در قسمت‌های مختلف آن با استفاده از علامت فصل «ویرگول» است.

بررسی محتوایی کتاب

طراحی متن کتاب‌های درسی باید به گونه‌ای باشد که بتوان آن را اثربخش، جدی و به دور

از هر گونه نادرستی ارزشیابی کرد. کتاب درسی، کتاب ادبی نیست که از آغاز شروع به مطالعه می‌شود و در صفحه‌ای به پایان می‌رسد؛ بلکه باید آن را به صورت درس به درس و فصل به فصل خواند. از این رو، فرض بر آن است که در کتاب درسی واحدهای متن به طور مشخص، قطعه قطعه و مجزا در کنار هم قرار گیرند (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

مقدمه: مؤلف در مقدمه به شریح موارد متن پرداخته اما به نوع آموزش مطالب اشاره‌ای نکرده است.

فهرست بندی: کتاب، فهرست بندی مناسبی دارد و راهنمای مناسبی برای بخش‌هاست. **تقسیم موضوعات:** عدم تقسیم بندی مطالب، زمان بیشتری را در جست و جوی مطلب می‌طلبد؛ بنابراین تفکیک موضوعات، کیفیت و جذابیت کتاب را در پی دارد. تقسیم بندی اثر در بخش نخست به خوبی صورت گرفته اما بخش نمونه‌ها عناوین مشخصی ندارد؛ این اشکال در تقسیم بندی موضوعی وجود دارد.

نتیجه گیری پایان بخش: مؤلف در پایان هر بخش موارد تازه و نکات جدید مباحث مطرح شده را ارائه می‌کند؛ بخشی به عنوان نتیجه گیری در این اثر وجود ندارد.

استفاده از شکل و عکس: کل کتاب به صورت متن نوشتاری است؛ این امر باعث خستگی می‌شود. لذا استفاده از شکل و تصویر، علاوه بر جذابیت متن، سهم بسزایی در امر یادگیری دارد، موجب تنوع در متن می‌شود و بیشتر در ذهن مخاطب جای می‌گیرد.

واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی: غنای واژگانی رسانه‌ای به ویژه در موضوعات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی برای پیشرفت آن حوزه نیازی ضروری است؛ زیرا برخی مطبوعات عربی با قلمی ساده و بعضی با قلمی نسبتاً دشوار همراه با اصطلاحات عامیانه یا خاص مطالب خود را بیان می‌کنند. همچنین مخاطب در حین مطالعه واژه‌نامه همراه ندارد تا از آن استفاده کند. فقدان واژه‌نامه تخصصی تکمیلی که در بردارنده سایر اصطلاحات مهم و کاربردی این حوزه باشد، از نقایص این اثر محسوب می‌شود.

تمرین‌ها: بخش تمرین‌ها، به منظور تفهیم مطالب سخت و یادگیری، بسیار مؤثر است. تمرین‌های هر فصل تکراری و محدود و به نمونه‌های جدید نیاز دارد.

ارجاعات: منابع استفاده شده مجهول است و هیچ گونه ارجاعی به آن‌ها صورت نگرفته است.

توضیح اصطلاحات: شرح واژگان ناآشناست. در میان برخی از واژگان، کلماتی وجود دارد که نیازمند توضیح هستند؛ نمونه‌های آن در صفحات ۷۵، ۵۷، ۷۷ و ۷۵ به

ترتیب واژه‌های «کلاسیسیم»^۱، «بازی نرد»، «اگزیستانسیالیسم»^۲ و «فراماسونری»^۳ هستند. علاوه بر این‌ها شرح شخصیت‌های مذکور در اثر، ضروری به نظر می‌رسد.

سبک

سبک در ترجمه شامل واژگان، نوع متن، و لحن است. هر یک از این عناصر در نوع ترجمه نقش بسزایی دارد. «ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که بتواند همان تأثیر متن اصلی را در خواننده بگذارد. برای انتقال این تأثیر، رعایت سبک و اسلوب نویسنده، اهمیت زیادی دارد» (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۹).

سبک نحوی

یعنی مترجم قواعد دستوری زبان مقصد را تا حد ممکن رعایت کند؛ به گونه‌ای که در فضای زبان مبدأ غوطه‌ور نباشد و با رعایت امانت، گرایش مقصد‌گرایانه داشته باشد؛ طبیعتاً انتظار مخاطبان نیز جاری شدن متن در زبان هدف است. «مترجم پس از آن که متن مورد ترجمه را به درستی فهمید، یعنی از لحاظ واژگان مشکلی نداشت، با بهره‌گیری از دستور زبان مبدأ، به تطبیق در زبان مقصد پردازد» (فاضلی و تقیه، ۱۳۷۹: ۶۸). پایبند نبودن به سبک دستوری زبان مقصد ضمن نادیده‌انگاری استقلال نحوی، دریافت نامفهوم پیام را به دنبال دارد. مترجم باید علاوه بر رعایت سبک نحوی به سبک زبانی، به سبک متن و مخاطب نیز توجه داشته باشد.

ساخت نحوی

«بی‌تردید بخش عمده‌ای از موفقیت هر اثر مدیون شفافیت، سادگی و سلاست نثری است که برای انتقال مفاهیم آن انتخاب شده است. نثر یک کتاب کارآمد و اثربخش باید خواننده را به مطالعه ترغیب کند و با کمترین واژگان ممکن بیشترین آگاهی را به او برساند؛ نه اینکه با پیچیدگی‌های غیرضروری مخاطب را از خواندن پشیمان سازد و ذهنش را در ابهام و سردرگمی فرو برد» (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۱). هر زبان دارای ساخت و بافت مشخصی است که آشنایی با قواعد آن و رعایت آن‌ها الزامی است. زبان فارسی و زبان عربی دو زبان مجزا،

1. classicism
2. existentialism
3. freemasonry

با ساختار نزدیک به هم هستند، البته این به معنی کاربرد یک زبان به جای دیگری نیست، زیرا در این صورت ابهام و عدم استقلال ساختاری و قواعدی احساس می‌شود. در بررسی اصول ساختاری - دستوری این اثر شاهد برخی کم‌توجهی‌ها در این حوزه هستیم.

جابه‌جایی اجزاء جمله: «مترجم نباید توالی و ترتیب جمله‌های متن مبدأ را رعایت کند، بلکه می‌تواند با تقدیم و تأخیر، متن ترجمه‌اش را روان‌تر کند. به عبارت دیگر، مترجم باید با شناختی که از زبان فارسی دارد، متن ترجمه را بازنویسی کند» (ناظمیان، ۱۳۸۸: ۵۱). در کتاب مذکور، عدم رعایت ترتیب، تقدیم و تأخیر در اجزاء جمله فارسی در جملات ترجمه شده نمایان است؛ این بی‌توجهی در تقدیم متمم و فعل بیشتر است. توجه به حروف اضافه، نشانه مفعولی و... در زبان فارسی لازم است و ترتیب اجزاء جمله بدین صورت است که ابتدا نهاد و سپس گزاره می‌آید.

تقدیم خبر بر مبتدا: ساختار جمله در زبان فارسی با زبان عربی از لحاظ چینش اجزاء آن متفاوت است؛ هر یک از جملات اسمیه و فعلیه در عربی با اجزاء مختلف خود دارای بخش‌ها و ترتیب خاص است، اما در ترجمه ضرورتی ندارد که همان ترتیب، مراعات و سیاق جمله به همان روش وارد زبان هدف، یعنی زبان فارسی، شود. برای نمونه، به موارد زیر توجه شود:

- علی‌هم‌اش اجتماع قِمة الدُّول الصَّنَاعِيَّة الكُبْرَى فِي مَدِينَةِ «كولونیا» الألمانِيَّة أعرَبَ رَئِيسُ الوُزراءِ اليابانيِّ خِلالَ لِقائِهِ الرَّئِيسَ الأَميرِكيَّ عَن رَغْبَتِهِ فِي تَحجِيمِ الخِلافاتِ القائِمَةِ بَينَ واشنطن و بکین. (ص ۲۷): در حاشیه نشست سران کشورهای بزرگ صنعتی در شهر کلن آلمان، نخست‌وزیر ژاپن در دیدارش با رئیس‌جمهور امریکا، برای مهار اختلافات موجود میان واشنگتن و پکن، ابراز تمایل نمود.

ترجمه پیشنهادی: نخست‌وزیر ژاپن در دیدارش با رئیس‌جمهور امریکا، در حاشیه نشست کشورهای بزرگ صنعتی در شهر کلن آلمان، برای مهار اختلافات موجود میان واشنگتن و پکن، ابراز تمایل نمود.

- إنَّ أهالیَ کابلِ هُمُ السُّجناءُ الوَحیدونَ فِي العالَمِ الذینَ لا یعرفونَ موعِدَ إطلاقِ سراحِهِم (ص ۲۵): در (این) جهان مردم کابل تنها زندانیانی هستند که تاریخ آزادی خویش را نمی‌دانند.

ترجمه پیشنهادی: مردم کابل، تنها زندانیانی در این جهان هستند، که تاریخ آزادی خویش را نمی‌دانند.

- الأراضى المحتلة، ثورة الشعب الفلسطيني متقدمة و التسوية فى دائرة الإنهيار (ص ۲۱): در سرزمین‌های اشغالی، انقلاب ملت فلسطین، همچنان فروزان (و شعله‌ور) است و سازش در دایره فروپاشی است.

ترجمه پیشنهادی: انقلاب ملت فلسطین، در سرزمین‌های اشغالی، همچنان فروزان (و شعله‌ور) و سازش در دایره فروپاشی است.

- تظاهرات عارمه تعم الأراضى الفلسطينية دعماً للمعتقلين فى السجون الصهيونية (ص ۲۵): در پشتیبانی از بازداشت‌شدگان در زندان‌های صهیونیستی، تظاهرات گسترده‌ای سرزمین‌های فلسطینی را فرا می‌گیرد.

ترجمه پیشنهادی: تظاهرات گسترده‌ای در پشتیبانی از بازداشت‌شدگان در زندان‌های صهیونیستی، سرزمین‌های فلسطینی را فرا می‌گیرد.

همه نمونه‌های مذکور به دلیل همراهی با حروف اضافه، باید در بخش گزاره‌ای و پس از نهاد جمله قرار گیرند ولی مؤلف آن‌ها را مطابق بافت زبان عربی آورده است.

تقدیم فعل: یکی از الگوهای نامناسب در ترجمه از عربی به فارسی رعایت سبک نحوی زبان مبدأ و انتقال آن به زبان مقصد است که باعث می‌شود ساختاری مغایر با ساختار زبان مقصد اراده شود و متن ترجمه شده از الگوی معیار خود فاصله بگیرد.

لن نسمح لأى قوة مهما كانت التطاول على شبر واحد من أراضى إيران الإسلام (ص ۱۰۷): اجازه نخواهیم داد که هیچ قدرتی به یک وجب از خاک میهن اسلامی تجاوز کند. در این نمونه فعل در جایگاه مناسب خود قرار ندارد.

ترجمه پیشنهادی: ما به هیچ قدرتی اجازه نخواهیم داد که به یک وجب از خاک میهن اسلامی تجاوز کند.

حذف فعل بدون قرینه: اگر دو جمله معطوف به هم بوده و هر کدام فعل مجزایی داشته باشند که حذف یکی مخل معنی باشد، آن فعل نباید حذف شود؛ حذف کلمه تنها در صورت وجود قرینه لفظی یا معنوی قابل قبول است.

- رُوَادُ «ديسكوفرى» يُصَلِحُونَ مَرَقَبَ «هابل» و يُعيدونهُ إلى مدارِهِ (ص ۷۰): فضانوردان دیسکاوری تلسکوپ هابل را تعمیر و به مدار خود باز می‌گردانند.

حذف فعل جمله اول، به فهم جمله آسیب زده است و فعل مورد نظر باید ذکر شود. ترجمه پیشنهادی: فضانوردان دیسکاوری تلسکوپ هابل را تعمیر می‌کنند و به فضا برمی‌گردانند.

فعل «می‌کنند» بدون هیچ قرینه معنوی یا لفظی حذف و فعل «برمی‌گردانند» به عنوان تنها فعل دو جمله مستقل بیان شده است.

سبک واژگان

سبک واژگان، شامل رعایت اصول انتخاب واژگان و کاربرد آن‌ها در زبان مقصد است. مترجم باید در انتخاب واژه به ساخت دستوری زبان مقصد، موقعیت استفاده از آن و نوع متن توجه کند. هر متن اصطلاحات خاص خود را دارد؛ برای مثال، کلمه التَّضَخُّم در متن اقتصادی به معنی تورم و در متن اجتماعی به معنی تراکم است. پس هر واژه با توجه به همنشینی و سیاق متن انتخاب می‌شود. «در زبان مبدأ ممکن است کلمه‌ای در چند موقعیت مختلف به کار رود، ولی در زبان مقصد برای هر یک از آن موقعیت‌ها از کلمه خاصی استفاده شود. مترجم با تسلطی که بر زبان مقصد دارد، موقعیت‌های مورد نظر را می‌شناسد و برای هر یک از آن‌ها از معادل مناسبی استفاده می‌کند» (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۷۴). در کتاب مذکور، مترجم نسبت به همنشینی در ترجمه و انتخاب واژه مورد نظر کم توجهی نموده است. علاوه بر این، در سبک واژگان به عوامل گرت‌برداری، مترادف و اشتراکات لفظی توجه می‌شود، که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

همنشینی

- لا بُدَّ مِنَ التَّلَاحِمِ وَالصَّبْرِ لِلْمُعَالَجَةِ الْمَشَاكِلِ الْاِقْتِصَادِيَّةِ (ص ۹۳): باید برای درمان مشکلات اقتصادی، همبستگی و صبر داشته باشیم.

واژه درمان از واژگان متون پزشکی است، اما مترجم آن را با واژگان اقتصادی هم‌نشین کرده؛ در رسانه‌ها واژه حل معمول است.

ترجمه پیشنهادی: لازمه حل مشکلات اقتصادی، همبستگی و صبر است.

- كَثِيرًا مَا يُصَابُ الْأَطْفَالُ بِمَرَضِ الْكَسَاحِ الَّذِي يُسَبِّبُ تَقَوُّسَ عِظَامِ أَرْجُلِهِمْ وَصُدُورِهِمْ (ص ۱۳۲): بیشتر کودکان به بیماری راشیتیس (نرم استخوانی) دچار می‌شوند که (این بیماری) باعث خمیدگی استخوان‌های پا و سینۀ آن‌ها می‌شود.

«دچار به معنای مواجهه بر اثر برخورد ناگهانی و توسعه‌ا، گرفتار و مبتلاست» (نجفی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). کلمه «دچار» مواجه شدن بر اثر رودرویی با چیزی است که در مورد بیماری این مطلب صادق نیست؛ از طرفی فرهنگ‌نویسان معادل واژه «مصاب» را «مبتلا» نوشته‌اند.

ترجمه پیشنهادی: بسیاری از کودکان به بیماری نرمی استخوان مبتلا هستند، که (این بیماری) باعث خمیدگی استخوان‌های پا و سینه آن‌ها می‌شود.

- أعلنت الوكالة الدولية للطاقة الذرية يوم الإثنين الماضي أن العراق لم يعد لديه قدرة على امتلاك السلاح النووي (ص ۱۱۶): آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روز دوشنبه گذشته، اعلام کرد که عراق دیگر توان داشتن سلاح اتمی را ندارد.

کلمه توان به معنی قدرت و توانایی است؛ بنابراین همنشینی این واژه به مفهوم صلاحیت و تناسب در این جمله، با مفهوم اصلی جمله که بیانگر عدم صلاحیت عراق در داشتن سلاح اتمی است، سازگاری ندارد.

ترجمه پیشنهادی: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روز دوشنبه گذشته اعلام کرد که عراق دیگر صلاحیت داشتن سلاح اتمی را ندارد.

گرته‌برداری

«گرته‌برداری یا روگرفت، به معنی تبعیت از الگوی زبان بیگانه در ترجمه؛ یا ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه جزء به جزء یک ترکیب یا عبارت بیگانه به فارسی، یا تعمیم دادن یکی از معانی بیگانه به دیگر معانی آن در زبان فارسی، یا تبعیت از الگوی زبان بیگانه در ساختار جمله فارسی است» (نیکوبخت، ۱۳۸۸: ۱۰۳). گرته‌برداری یعنی وام‌گیری از زبان بیگانه، به گونه‌ای که از لحاظ دستوری مطابق آن زبان عمل کنیم. این نوع از گرته‌برداری در ترجمه فعل‌های مرکب از عربی به فارسی نمود بیشتری دارد.

- ويُمْكِنُ أَنْ نُصَابَ بِعَسْرِ الْهَضْمِ كَذَلِكَ إِذَا تَنَاوَلْنَا طَعَامًا بِسُرْعَةٍ دُونَ أَنْ نَمَضَّغَهُ جَيِّدًا (ص ۱۲۷): ممکن است دچار سوءهاضمه شویم.

در این جمله، مترجم میان اجزاء فعل مرکب مانند متن مبدأ فاصله انداخته و ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: ممکن است به سوءهاضمه مبتلا شویم.

- نحنُ متلهِّفون لزيارة الرئيس خاتمی إلى ألمانيا (ص ۳۵): ما مشتاق زیارت رئیس‌جمهور خاتمی از آلمان هستیم.

ترجمه این جمله علاوه بر گرته‌برداری، تحت‌اللفظی است.

ترجمه پیشنهادی: ما برای دیدار رئیس‌جمهور خاتمی از آلمان مشتاق هستیم.

- إنتشارُ المناهجِ التربويَّةِ المُستوردةِ يُوَدِّي إلى تهميشِ تعاليمِ الإسلامِ وإضعافِ

فَاعِلِيَّتِهِ (ص ۶۴): گسترش شیوه‌های آموزشی وارداتی، منجر به کنار گذاشتن تعالیم اسلام و ضعیف شدن تأثیر اسلام بر خرده‌های نوجوانان می‌شود.

فعل ترکیبی يُؤَدِّي الي به صورت جدا از هم ترجمه شده است.

ترجمه پیشنهادی: گسترش شیوه‌های آموزشی وارداتی به کنار گذاشتن تعالیم اسلام و ضعیف شدن تأثیر اسلام بر خرده‌های نوجوانان منجر می‌شود.

ترادف

هر زبانی، مجموعه‌ای از واژگان مترادف دارد که به نویسنده و مترجم در نوشتن و ترجمه امکان انتخاب می‌دهد. این واژگان چه از نوع مطلق (یعنی به معنی همان واژه) و چه از نوع گزاره‌ای (به سبب هم‌معنی بودن نسبی) به عنوان مترادف در کنار هم قرار می‌گیرند. گاه ترادف برای تنوع، یکسان‌سازی و توضیح بیشتر متن و ... آورده می‌شود. در این اثر، ترادفات معادل یک واژه زبان مبدأ است، گویی مترجم در آوردن این ترادفات اصرار داشته است اما این عادت هر مؤلف فارسی‌زبان و فارسی‌نویس است که در نوشته‌هایش از مترادفات استفاده می‌کند.

- إِنَّ جَمِيعَ الضُّغُوطِ الْأَمِيرِكِيَّةِ لِلْحَدِّ مِنَ التُّجَارَةِ الْإِيرَانِيَّةِ بَاءَتْ بِالْفَشْلِ (ص ۸۱): همه فشارهای امریکا برای جلوگیری و محدود ساختن بازرگانی ایران به شکست انجامید.

این کلمات از لحاظ معنایی مترادف هستند، لذا بیان یکی از آنها کافی است.

- تُعَدُّ الْحُكُومَةُ حَالِيًا الْخَطَّةَ الْخَمْسِيَّةَ الْمَسْتَقْبَلِيَّةَ لِمُعَالَجَةِ الْعِجْزِ فِي الْمِيزَانِيَّةِ وَ تَسْدِيدِ الدُّيُونِ (ص ۸۳): دولت هم‌اکنون برنامه پنج ساله آینده را برای بررسی و برطرف ساختن کسر بودجه بازپرداخت بدهی‌ها در دست تهیه دارد.

در این مورد کلمات از لحاظ معنایی با هم هیچ سنخیتی ندارند و معنی واژه «معالجه»، براساس سیاق متن واژه «بررسی» است.

- إِنَّ مَرَاصِدَ الْمَقَاوِمَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ سَجَلَتْ تَحْرُكَاتٍ وَاسِعَةً لِقَوَاتِ النِّظَامِ الْعَسْكَرِيَّةِ وَ لِمُرْتَقِيَةِ الْأَوْغَادِ (ص ۱۰۲ و ۱۰۳): دیده‌بانی مقاومت اسلامی تحرکات گسترده نیروهای نظامی رژیم و مزدوران ابله و فرومایه آنها را ثبت کرد.

این دو واژه در طیف معنایی یکسانی قرار دارند و اشاره به یکی از آنها در ترجمه کافی است.

اشتراکات لفظی

اشتراک لفظی، به معنای تشابه واژگانی و اختلاف معانی در زبان مبدأ و مقصد است. «توجه به واژگانی که در آن‌ها اشتراک لفظی وجود دارد، اهمیت بسیاری در ترجمه دارد، زیرا انتخاب معنای صحیح واژه از میان معانی متعدد و جایگزین کردن آن در متن، کاری بسیار دقیق و نیازمند توجه فراوان است. بنابراین نباید به محض دیدن واژه به ترجمه آن اقدام کرد. در چنین حالتی مترجم باید نهایت دقت خود را به این امر مبذول دارد تا در انتقال معنا دچار مشکل نشود» (معروف، ۱۳۹۲: ۷۷، ۸۰). در ترجمه چنین واژگانی باید گستردگی معنایی لحاظ و هر واژه متناسب با معنای مورد نظر در متن معادل‌یابی شود. برای مثال، جمله: انقلاب ما اسلامی است، نباید به این صورت ترجمه شود: انقلابنا انقلاب اسلامی، زیرا کلمه انقلاب در زبان عربی و فارسی معنای متفاوت دارد، بنابراین ترجمه این جمله بدین شکل صحیح است: ثَوْرَتْنَا ثَوْرَةٌ إِسْلَامِيَّةٌ؛ چرا که انقلاب در زبان فارسی در متن سیاسی به معنای دگرگونی و در زبان عربی به معنای کودتا است.

- أَصْدَرَتِ الْحُكُومَةُ تَعْمِيمًا فَحَوَاهُ أَنْ الدَّوَامَ يُبْدَأُ مِنَ السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ صَبَاحًا وَ يَسْتَعْرِقُ حَتَّى السَّاعَةِ الرَّابِعَةِ مَسَاءً (ص ۵۵): حکومت بخشنامه‌ای صادر کرد که محتوای آن این است: ساعات کاری از ۸ صبح شروع می‌شود و تا ساعت ۴ بعد از ظهر طول می‌کشد. واژه الحکومه در زبان عربی به معنی حکومت مرکزی و در ترجمه به زبان فارسی، دولت معنای می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: دولت بخشنامه‌ای صادر کرد که محتوای آن این است: ساعات کاری از ۸ صبح شروع می‌شود و تا ساعت ۴ بعد از ظهر طول می‌کشد. - قالَ رَئِيسُ مَجْلِسِ الشُّورَى الْإِسْلَامِيَّةِ فِي اجْتِمَاعِ الْأَسَاتِذَةِ وَ الطَّلِبَةِ فِي جَامِعَةِ طَهْرَانَ بِأَنَّ الْإِسْتِمَارَ فِي حَقْلِ التَّعْلِيمِ الْعَالِي، يَنْدَرِجُ فِي خَانَةِ الْإِسْتِمَارِ التَّحْتِي (ص ۸۱): رئیس مجلس شورای اسلامی در اجتماع اساتید و دانشجویان دانشگاه تهران گفت که سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش عالی، در ستون سرمایه‌گذاری زیربنایی قرار می‌گیرد. واژه اجتماع در زبان فارسی به معنی جامعه و در ترجمه از عربی به فارسی به معنی نشست یا جلسه است.

ترجمه پیشنهادی: رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست استادان و دانشجویان دانشگاه تهران گفت که سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش عالی، در ستون سرمایه‌گذاری زیربنایی قرار می‌گیرد.

- دائرة التوجيه العقائدي و السياسي في جيش الجمهورية الإسلامية تنعى شهداء
حادثة الطائرة الأخيرة (ص ۱۰۱): دایره عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی از شهدای
حادثه هواپیمایی اخیر خبر می دهد.

کلمه «دائرة»، در زبان عربی: اداره و نهاد دولتی، و در زبان فارسی: نام یکی از
اشکال هندسی است.

ترجمه پیشنهادی: اداره یا سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی از
شهدای حادثه هواپیمایی اخیر خبر می دهد.

ارزیابی ترجمه

بخش مهم مقاله حاضر به ارزیابی ترجمه می پردازد. می توان ترجمه را از ابعاد مختلف
بررسی کرد؛ نظرات مختلفی درباره ترجمه و انواع آن وجود دارد و از دو دیدگاه واژگانی
و دستوری قابل نقد است. طبیعی است که مترجم نمی تواند به بررسی ویژگی های مثبت و
منفی ترجمه خود پردازد، بنابراین ارزیابی می شود. ترجمه از لحاظ کیفیت دارای
ملاک هایی است که در طول ترجمه و حتی نقد باید به آن ها توجه کرد. «قابل فهم بودن
برای خواننده، سلیس و روانی و شفافیت آوایی، استفاده به جا از اصطلاحات، انتقال
حداقلی نکات ادبی زبان مبدأ، بازسازی مضامین فرهنگی و تاریخی زبان مبدأ، تمیز و
تعادل میان زبان مجازی (کاربردی و باطنی) و تحت اللفظی، شفاف سازی، انتقال مفهوم و
پویایی ترجمه از ملاک های ترجمه خوب است» (میرزا سوزنی، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۴). ترجمه را
باید بر حسب نوع متن، هدف مترجم، تطبیق متن ترجمه شده با اصل آن - که از عوامل
تأثیرگذار است - نقد و به دور از هرگونه بی عدالتی، قوت و ضعف های آن را بیان کرد.
ترجمه انواع مختلفی دارد که هر کدام از مترجمان و نظریه پردازان یکی از این انواع ها را
به عنوان الگو پیش روی مخاطبان گذاشته اند. «ارزیابی انواع مختلفی دارد، برخی
پژوهشگران برای ارزیابی هشت نوع مختلف بر شمرده اند که اساس این تقسیم بندی ها میزان
دخالت ارزیاب در متن ترجمه و کیفیت ترجمه است. تدقیق، تحریر و کلاسیک گونه هایی
از این نوع ارزیابی هستند. ارزیاب در ارزیابی کلاسیک به مقابله گام به گام متن ترجمه با
اصل می پردازد» (نصیری، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵).

ارزیابی صورت گرفته در مورد این کتاب از نوع ارزیابی کلاسیک یا مقابله
گام به گام متن ترجمه شده با متن اصلی است. سبک، اصطلاحات، فرهنگ، موضوع، زبان

و دیگر عوامل از ملاک‌های گزینش در نقد و ارزیابی ترجمه در متون ادبی یا علمی هستند. «شناسایی و استخراج اصول برای ارزیابی به ما کمک می‌کند از خرده‌گیری‌های غیراصولی و غیرعلمی نسبت به ترجمه‌های دیگران برحذر باشیم و ابتدا به دید کارشناسی مسلح شده، آنگاه درباره ترجمه‌های مترجمان قضاوت کنیم» (نصیری، ۱۳۹۰: ۳۱).

سبک ترجمه

ترجمه تعاریف زیادی دارد. شاید تازه‌ترین تعریف این باشد که مخاطب، مطلب مورد نظر را از مترجم انتظار دارد، به او اعتماد می‌کند و او را در رساندن این امر امین می‌داند، تا فحوای مطلب را ارائه نماید. حال باید دید مترجم چه اسلوبی را به کار می‌بندد. براساس گفته‌های مترجم اثر مذکور، سبک وی، تطبیق نزدیک ترجمه با متن مبدأ است که این امر کار مخاطب را مشکل می‌کند، زیرا مخاطب در عین خواندن ترجمه، از اصول نحوی زبان مقصد غافل می‌شود و این امر سبب خواهد شد که در برخورد با چنین ترجمه‌هایی همین انتظارات را داشته باشد. «برگردان‌های مترجم‌مدار به دلیل اطلاعات بیشتری که از سوی مترجم در متن تحمیل می‌شود، درک موضوع و آراء نویسنده را مشکل‌تر می‌سازد و در برخی از شرایط ممکن است به نامفهومی ترجمه بینجامد. این مسئله به ویژه در متون علمی و تخصصی به اوج خود می‌رسد» (صفوی، ۱۳۷۱: ۷۱). در بیشتر ترجمه اثر مذکور شاهد ترجمه تحت‌اللفظی هستیم و این نمونه‌ای آشکار از پایبندی مترجم به سبک متن مبدأ است. «ترجمه لفظ به لفظ جملات فارسی یا عربی یکی از مشکلات مترجمان تازه‌کار است، که این کار صدمه بزرگی بر ساختار متن مقصد وارد می‌کند» (معروف، ۱۳۹۲: ۱۲). البته این امر از ارزش مترجم نمی‌کاهد، اما نواقص جزئی در برهم زدن اشکال متن و حتی پیام آن بی‌تأثیر نیست. محتمل است ترجمه واژه به واژه متن با توجه به متن اصلی در ترجمه نیاز باشد.

ترجمه تحت‌اللفظی

در ترجمه تحت‌اللفظی، همه واژه‌ها زیر واژگان متن اصلی قرار می‌گیرد و سبک ترتیبی - دستوری آن در ترجمه رعایت می‌شود. متون مطبوعاتی در برخی مواقع نیازمند ترجمه به سبک‌های متفاوتی هستند. «آنچه در حیطه کار ترجمه اهمیت دارد، این است که باید کار تصرف‌ها حساب شده و به دور از افراط و تفریط باشد» (نصیری، ۱۳۹۰: ۲۴). «این مرحله از

ترجمه برای برگردان بسیاری از شبه‌جملات و واژه‌های مرکبی به کار می‌رود که معادل دقیقی برای آن‌ها در زبان مقصد موجود نیست» (صفوی، ۱۳۷۱: ۱۴)، اما آنچه مشخص است، این است که ترکیبات، عبارات و جملات متن عربی در زبان مقصد دارای معادل آشنا و کاربردی هستند. «یکی از معیارهای تشخیص اصطلاح از عناصر زبانی معمول، ناهماهنگ بودن آن‌ها با بقیه متن است» (سعیدان، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۴).

- إِدْعَتْ سُلْطَاتُ أَدِيسِ ابَابَا بَأَنَّ السُّودَانَ تَقْرَعُ طُبُولَ الْحَرْبِ وَ تَدْعُو الْمَوَاطِنِينَ إِلَى التَّعْيِثَةِ الْعَامَّةِ (ص ۱۰۸): مسئولان آدیس ابابا ادعا کردند، که سودان طبل‌های جنگ را به صدا در می‌آورد و شهروندان (خود را) به بسیج عمومی فرا می‌خواند.

عبارت «تَقْرَعُ طُبُولَ الْحَرْبِ» به همان سبک زبان مبدأ ترجمه شده است. «این روش از ترجمه بیشتر در مواردی که واحد ترجمه کلمه در نظر گرفته می‌شود، مخصوصاً در ترجمه بین زبان‌هایی که قرابت ساختاری یا فرهنگی بسیاری با یکدیگر دارند، مشاهده می‌شود. اما به طور کلی استفاده از این روش به عنوان روشی غالب در ترجمه ممکن است باعث شود که بسیاری از جنبه‌های معنایی کلمات و متن از بین برود» (میرزا سوزنی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). بنابراین دلیل ردّ ترجمه این عبارت در کنار ترجمه واژه به واژه، عامیانه بودن آن است.

ترجمه پیشنهادی: مسئولان آدیس ابابا ادعا کردند، که سودان تنش‌زایی می‌کند و شهروندان (خود را) به بسیج عمومی فرا می‌خواند.

اگر برای اصطلاح یا واژه در زبان مقصد، معادل وجود دارد لزومی بر آوردن معادل تحت‌اللفظی نیست. «پایبندی بیش از حدّ مترجم به واژگان متن اصلی بدون توجه به مفهوم آن، ترجمه را نامفهوم و غیرقابل فهم می‌کند» (معروف، ۱۳۹۲: ۱۳).

- جَرِيْمَةٌ يَنْدِي لَهَا الْجَبِينُ، الْكِيَانُ الصَّهْيُونِي يَحْقِنُ أَطْفَالَ الْإِنْتِفَاضَةِ بِفِيْرُوسِ الْإِيدِزِ (ص ۳۷): جنایتی که به خاطر آن عرق از پیشانی سرازیر می‌شود، رژیم صهیونیستی و ویروس ایدز را به کودکان انتفاضه تزریق می‌کند.

ترجمه تحت‌اللفظی ذهن را بیشتر در قید و بند عبارت متن مبدأ قرار می‌دهد. ترجمه پیشنهادی: جنایت شرم‌آور، تزریق ویروس ایدز به وسیله رژیم صهیونیستی به کودکان فلسطینی است.

- جُنُودُ الْإِسْلَامِ يُمْرَغُونَ أَنْوَفَ الْعِدَى فِي وَحْلِ الْهَزِيمَةِ وَ الْعَارِ (ص ۱۱۴): سربازان اسلام بینی دشمنان را به خاک شکست و رسوایی می‌مالند.

ترجمه پیشنهادی: سربازان اسلام دشمنان را شکست می‌دهند.
 - وَضَعَ السَّيِّدُ الْمُحَافِظُ حَجَرَ الْأَسَاسِ لِإِنِّاءِ كَلِيَّةِ الْأَدَابِ (ص ۶۶): آقای استاندار
 سنگ زیربنای ساخت دانشکده ادبیات را بر زمین گذاشت.

ترجمه تحت‌اللفظی ترکیب «حجر الأساس»، سبب درک ناقص مخاطب می‌شود،
 زیرا مخاطب معانی متفاوتی را دریافت می‌کند، از جمله: استاندار خودش کار را شروع
 می‌کند یا واقعاً سنگی را در مکان مورد نظر قرار داده است و چند معنی دیگر که در زبان
 فارسی کژتابی یا ابهام خواننده می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: آقای استاندار کلنگ ساخت دانشکده ادبیات را به زمین زد.
 آنچه در رسانه‌ها معمول است، این عبارت است نه ترجمه مترجم.
 - جَلَسْتُ الْقُرْفُصَاءَ أَنْتَظِرُ أَنْ تُقْلِعَ السَّمَاءَ وَ طَالَ انْتِظَارِي دُونَ أَيَّةِ نَتِيجَةٍ (ص ۵۶):
 چمباتمه زدم و منتظر بند آمدن آسمان شدم، انتظاری طولانی و بی نتیجه.

ترجمه کاملاً براساس سبک زبان مبدأ است؛ در ضمن ترجمه‌ای معجمی از تقلع
السما عرضه کرده است که با این متن خبری و آموزشی سازگاری ندارد و نزدیک به
 زبان محاوره است. البته به اجتماعی بودن متن هم باید توجه کرد، اما به نظر می‌رسد
 آموزشی بودن آن اولویت دارد.

ترجمه پیشنهادی: من نشسته و منتظر قطع شدن باران بودم، اما انتظار من طولانی و
 بی نتیجه بود.

- كَادَتْ الْبُرْدَرَةُ تَتَلَّشِي تَقْرِيْبًا مَعَ بَدَايَةِ الْقَرْنِ الثَّامِنِ عَشَرَ وَلَكِنْ مَا يَزَالُ هُنَا وَ هُنَاكَ
 أَنَاسٌ مَا بَرِحُوا يُمَارِسُونَ هَذِهِ الرِّيَاضَةَ (ص ۱۳۶): قوشبازی تقریباً با شروع قرن هجدهم از
 بین رفت، اما در اینجا و آنجا هنوز مردمانی هستند که این ورزش را انجام می‌دهند.

ترجمه پیشنهادی: قوشبازی تقریباً با شروع قرن هجدهم از بین رفت، اما در برخی
 جاها هنوز مردمانی هستند که این ورزش را انجام می‌دهند.

- فِي خُطْبَةِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ بِطَهْرَانَ: «كَاشَانِي» يُحَدِّثُ مِنَ الْإِصْطِيَادِ بِالْمَاءِ الْعَكْرِ (ص ۲۳):
 [آیت الله] کاشانی در خطبه نماز جمعه تهران: از ماهیگیری از آب گل آلود برحذر می‌دارد.

ترجمه واژه به واژه این ترکیب چندان نمی‌تواند مفهوم اصلی را منتقل کند.
 ترجمه پیشنهادی: [آیت الله] کاشانی در خطبه نماز جمعه تهران: درباره متشنج کردن
 اوضاع هشدار می‌دهد. «در ترجمه اصطلاحات باید به دو نکته بسیار مهم توجه شود، نخست،
 ترکیب اصطلاحی نباید جزء عناصر عادی زبان محسوب شود و دوم، هر اصطلاحی باید

متناسب با کاربرد اجتماعی- فرهنگی و زبانی آن ترجمه شود. اگر اصطلاح رسمی در ترجمه به صورت محاوره یا عامیانه درآید، از ارزش کار ترجمه کاسته می‌شود» (سعیدان، ۱۳۸۸: ۶۷ و ۶۹).

ترجمه آزاد

در اثر مذکور علاوه بر ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه‌هایی در داخل پرانتز برای توضیح بیشتر آمده است. به نظر می‌رسد این نوع از ترجمه‌ها جزو ترجمه‌های تفسیری، آزاد یا هر نام دیگری (توضیحی، ...) با توجه به سبک مترجم است؛ اما نمی‌توان گفت که از آن در متون خبری و مطبوعاتی استفاده می‌شود. «ترجمه آزاد در واقع به نوعی خروج از سیاق گوینده زبان مبدأ است، و دامنه آن تا بدانجا پیش می‌رود که ممکن است با اقتباس از نوشته مؤلف، مطالب وی چندین برابر افزایش یابد» (معروف، ۱۳۹۲: ۱۹). برای ترجمه برخی از متون مبهم و دیرفهم می‌توان از این نوع ترجمه استفاده کرد، ولی متون مطبوعاتی جزو این متون نیستند.

- و مِنَ السَّهْلِ رُؤْيَةُ صُحُوحٍ لَأَقْطَعَةَ تَرْكِيَةَ تَبَاغٍ فِي كَرْدِسْتَانِ بِنَحْوِ أَلْفَيْنِ وَ خَمْسِمِئَةٍ دُولَارٍ (ص ۵۳): و به راحتی می‌توان دید که آنتن‌های بشقابی ترکیه‌ای در کردستان (عراق با قیمتی) حدود ۲۵۰۰ دلار فروخته می‌شود.

ترجمه جمع به مفرد

در بررسی ترجمه برخی از واژگان، شاهد ترجمه مفرد از کلمه جمع هستیم؛ مترجم اثر مذکور نیز در مواردی واژه جمع را به صورت مفرد در زبان فارسی ترجمه کرده است.

- اللدائنُ هي اسمٌ يُطلقُ على موادِّ تُصنعُ بِطَرُقٍ مُختلفةٍ حيثُ يُصنعُ منها رُجَاجُ الساعاتِ و العدساتِ التي لا تنكسرُ بِسُهُولةٍ (ص ۷۵): پلاستیک اسمی است که بر موادی اطلاق می‌شود، که به شیوه‌های مختلفی ساخته می‌شوند؛ از جمله شیشه ساعت و عدسی‌هایی که به آسانی شکسته نمی‌شوند.

در این مثال، «الساعات» به صورت مفرد ترجمه شده است.

ترجمه پیشنهادی: پلاستیک اسمی است که بر موادی اطلاق می‌شود، که به شیوه‌های مختلفی ساخته می‌شوند؛ از جمله شیشه ساعت‌ها و عدسی‌هایی که به آسانی شکسته نمی‌شوند.

- تَحْتَلُّ مَنْظَمَةُ الْأَنْوَاءِ الْجَوِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ الْمَرْكَزَ الرَّابِعَ بَعْدَ الْهِنْدِ وَالصِّينِ وَالْيَابَانَ بَيْنَ

۳۷ دولةً آسيويَّةً من حيثُ الإمكانياتُ و الكوادرُ التخصَّصَةُ (ص ۷۶): سازمان هواشناسی ایران در میان ۳۷ کشور آسیایی از نظر امکانات و کادر متخصص، بعد از هند، چین و ژاپن، رتبه چهارم را دارد.

در این جمله نیز واژه «الكوادر» به صورت مفرد ترجمه شده است.
ترجمه پیشنهادی: سازمان هواشناسی ایران در میان ۳۷ کشور آسیایی از نظر امکانات و کادرهای متخصص، بعد از هند، چین و ژاپن، رتبه چهارم را دارد.

حذف

حذف برخی از واژگان یا اصطلاحات سبب نقص در انتقال پیام و محتوای متن می‌شود. «حذف نابجا از جمله مواردی است که ثمره آن جفا به متن اصلی است، به همین سبب امری ناپسند محسوب می‌شود» (معروف، ۱۳۹۲: ۵۰)؛ زیرا اگر متن اصلی دارای کلمات کلیدی در فهم آن بوده و مترجم نیز به آن‌ها بی‌توجه باشد، مخاطب در درک مطلب سردرگم می‌شود.

- إن توقيع هذه الإتفاقيَّة التجاريَّة بالأحرفِ الأولى دليلٌ هامٌّ على تحسینِ العلاقاتِ بين الجانبين (ص ۸۵): امضا کردن این قرارداد بازرگانی، دلیل مهمی بر بهبود روابط میان طرفین است.

ترکیب «بالأحرف الأولى» ترجمه نشده است.
ترجمه پیشنهادی: امضا کردن این قرارداد بازرگانی، در درجه اول، دلیل مهمی بر بهبود روابط میان طرفین است.

- يَسْتَمِرُّ التَّخْطِيطُ لِإِقَامَةِ الْمَزِيدِ مِنَ الْمَحَطَّاتِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ الَّتِي تَعْمَلُ بِطَاقَةِ الرِّيحِ (ص ۸۲): برنامه‌ریزی برای افزایش ساخت نیروگاه‌هایی که با قدرت باد حرکت می‌کنند، ادامه دارد.

واژه الکهربائیة ترجمه نشده است.
ترجمه پیشنهادی: برنامه‌ریزی برای افزایش ساخت نیروگاه‌های برق که با قدرت باد حرکت می‌کنند، ادامه دارد.

چنان‌که گفته شد، «حذف نابجا از جمله مواردی است که ثمره آن جفا به متن اصلی است؛ به همین سبب امری ناپسند محسوب می‌شود. اگر در گفتار اصلی نویسنده اطناب وجود داشته باشد، باز هم مترجم این حق را ندارد که به اختیار خود در متن دخل و

تصرف کند. این امر زمانی قابل توجیه است که حذف با هماهنگی مؤلف صورت گیرد» (معروف، ۱۳۹۲: ۵۰).

تمایزات فرهنگی

«شناخت مترجم از فرهنگ زبان‌های مبدأ و مقصد تأثیر شگرفی در کاربرد مناسب کلمات و مفاهیم دارد. تبخّر مترجم در زبان‌های مبدأ و مقصد باید در حد یا نزدیک به توانایی گویشوران بومی آن زبان‌ها باشد، به طوری که توانایی انتقال آنچه را به صورت تصریحی و تلویحی در متن مبدأ آمده است، داشته باشد» (میرزا سوزنی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). یکی از مهم‌ترین مواردی که مترجم باید در ترجمه از زبان اول به زبان دوم، به آن توجه کند، تمایزات فرهنگی است. «بهترین راه ترجمه این عناصر آن است که در صورت تعارض با فرهنگ مقصد، با عناصری از فرهنگ مقصد با همان وزن و خاصیت جایگزین شود، اما در صورت فهم و هضم آن در متن ذکر و در پی نوشت توضیح داده شود» (نصیری، ۱۳۹۰: ۱۰۵). این تمایزات در متن‌های سیاسی، اجتماعی و دینی بیش از حوزه‌های دیگر است. ویژگی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی به اقتضای قوانین هر جامعه از ارزش و احترام افراد برخوردارند و این فرهنگ‌ها هویت ما هستند؛ اگر این تمایزات را در مورد متون مطبوعاتی بررسی کنیم باید در برخورد با نوشته‌های خارجی هوشمندانه عمل کنیم و در انتقال آن به زبان مقصد دقت کافی را به کار بندیم.

تمایزات فرهنگی را می‌توان در دو بخش زبانی و جغرافیایی بررسی کرد. از نمونه‌های تفاوت زبانی، تفاوت در بیان افعال و ضمائر به صورت جمع در نقل قول از بزرگان است، که طبق دستور زبان مفرد بیان می‌شود. اما اصحاب رسانه برای احترام در نقل بیانات این بزرگان، به ویژه رهبری، به جای ضمیر و فعل مفرد از ضمیر و فعل جمع استفاده می‌کنند. این نمونه‌ای از فرهنگ خاص در رسانه است که علاوه بر اهل رسانه، مترجم و نویسنده نیز باید به آن التزام داشته باشند؛ البته این مورد در اثر مذکور رعایت نشده است.

- أَسَارَ قَائِدُ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي جَانِبِ آخِرٍ مِنْ حَدِيثِهِ إِلَى عَجْرِ الْقَوَى الْإِسْتِكْبَارِيَّةِ فِي الْمَسَاسِ بِصَرْحِ النُّظَامِ الْإِسْلَامِيِّ الشَّامِخِ وَالْقَوَى فِي إِيرَانَ (ص ۳۶): رهبر انقلاب اسلامی در قسمت دیگری از سخنان خود به ناتوانی نیروهای استکبار در آسیب رساندن به کاخ بلند و قوی نظام اسلامی در ایران اشاره کرد.

در این جمله ترجمه ضمیر متصل «ه» در حَدِيثِهِ و فعل «أَسَارَ» به صورت مفرد آمده است.

ترجمه پیشنهادی: رهبر انقلاب اسلامی در قسمت دیگری از سخنانشان به ناتوانی نیروهای استکبار در آسیب رساندن به کاخ بلند و قوی نظام اسلامی در ایران اشاره کردند. - أعطى قائد الثورة جنود الإسلام البواسل الذين سَطَرُوا ملاحِمَ خالِدَةَ دفاعاً عن كرامة الشعب أعطاهم أنواط الشجاعة (ص ۱۱۵): رهبر انقلاب به سربازان شجاع اسلام که در راه عزت مردم حماسه‌های جاویدانی نگاشتند، مدال‌های شجاعت اعطا کرد. آنچه در فرهنگ رسانه‌های ما در نقل بیانات رهبری معمول است، ذکر افعال و ضمائر به شکل جمع است.

ترجمه پیشنهادی: رهبر انقلاب به سربازان شجاع اسلام که در راه عزت مردم حماسه‌های جاویدانی نگاشتند، مدال‌های شجاعت اعطا کردند.

تفاوت‌های فرهنگی به زبان و آیین‌های ویژه منحصر نمی‌شود، بلکه شامل باورهای فکری، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و ... است. نمونه آن، تفاوت در نام‌گذاری مناطق و کاربرد آن معادل‌ها در جامعه هدف است. برای مثال بیگانگان مناطق مختلف آسیا را با عناوینی چون: خاور دور، خاور نزدیک و خاورمیانه نام می‌برند که به ترتیب برای منطقه‌های شرق آسیا، غرب آسیا و جنوب غرب آسیا وضع شده است، ولی این عناوین در رسانه‌های جمهوری اسلامی و فرهنگ جغرافیایی ما جایی ندارد هرچند در گذشته با همین اسامی در رسانه ما مطرح بودند. در کتاب مذکور به مسائلی از این دست کم توجهی شده و به سبک بیگانگان معادل‌گزینی شده است.

- إن الزيارات المكوكية التي كان «دوشاريت» يقوم بها إلى الشرق الأوسط للتوسط بين العرب و إسرائيل قد زادت من شرخ خلافته مع «كريستوفر» (ص ۱۸): دیدارهای دوره‌ای که دوشاریت از خاورمیانه برای میانجیگری میان اعراب و اسرائیل به عمل می‌آورد، شکاف اختلاف او و (وارن) کریستوفر را افزایش داده است.

شاهد ما کلمه خاورمیانه است. این واژه در رسانه‌ها معمول نیست و مسئولان نیز از ترکیب جنوب غرب آسیا استفاده می‌کنند. همچنین کلمه اسرائیل در رسانه‌ها با نام رژیم جعلی صهیونیستی یا رژیم کودک کش و دیگر القاب تعریف می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: دیدارهای دوره‌ای که دوشاریت از جنوب غرب آسیا برای میانجیگری میان اعراب و رژیم جعلی صهیونیستی به عمل می‌آورد، شکاف اختلاف او و (وارن) کریستوفر را افزایش داده است.

- إن العالم ليس على استعداد لقبول إنتكاسة مسيرة السلام أو قبول تجدد الحرب

الصَّرَاعِ فِي مَنْطِقَةِ الشَّرْقِ الْأَوْسَطِ (ص ۳۹): جهان آماده پذیرش شکست روند صلح یا پذیرش از سرگیری جنگ و درگیری در منطقه خاورمیانه نیست.

در این مورد نیز لازم است مترجم به جای واژه خاورمیانه، عبارت جنوب غرب آسیا را به کار برد.

ترجمه پیشنهادی: جهان آماده پذیرش شکست روند صلح یا پذیرش از سرگیری جنگ و درگیری در منطقه جنوب غرب آسیا نیست.

مخاطبان ترجمه، مترجم را در انتقال مفاهیم و اخبار شریک می‌دانند، بنابراین توجه به تمایزات فرهنگی باید در دستور کار مترجم قرار گیرد. «اگر ترجمه در شناخت دیگران از طریق انتقال افکار به ما کمک بکند، می‌تواند در فهم آن از دو طریق به ما کمک کند، اولاً: ترجمه پرتو دیگری را تحت سیطره خود در می‌آورد تا آن را بشناسیم و معرفتی از خود به دست آوریم، ثانیاً: ذات خود را از طریق شناخت اصل دیگری می‌شناسیم و ترجمه تصورات دیگری را از ما برای ما انتقال می‌دهد» (القاسمی، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۴).

بحث و نتیجه گیری

کتاب المصطلحات المتداوله فی الصحافه العربیه از بهترین کتب آموزشی در حوزه ترجمه زبان عربی است و در دو گرایش زبان و ادبیات عربی و مترجمی زبان عربی تدریس می‌شود. مؤلف، محتوای آن را از اصطلاحات رسانه‌ای - مطبوعاتی کشورهای عربی برگزیده است. جدای از محاسن اثر، در ارزیابی نکات ساختاری، نگارشی، محتوایی و ترجمه آن، کمبودهایی وجود دارد که ضمن اشاره به آن‌ها پیشنهاداتی مطرح می‌شود:

۱. کم توجهی به علائم نگارشی و رسم الخط زبان عربی در تألیف، که احتمالاً اشتباه تایی رخ داده و لازم است اصلاح شود.

۲. توجه صرف به ترجمه و در عین حال بی توجهی به کتب اصول ترجمه.

۳. مثال‌ها تکراری است و بهتر است از دیگر مطبوعات عربی استفاده شود تا برای

مخاطبان تازه و جذاب باشد.

۴. سبک مترجم نزدیک به متن اصلی است. همچنین مترجم برخی واژگان را در

ترجمه خود اضافه کرده که نوعی ترجمه آزاد یا توضیحی است و لازم است در نوع ترجمه تجدیدنظر شود.

منابع

- رحیمی، رامین (۱۳۸۲). «ترجمه متون مطبوعاتی: بررسی مشکلات دانشجویان ایرانی در ترجمه»، *مطالعات ترجمه*، شماره ۲، ص ۴۴-۲۹.
- رضی، احمد، (۱۳۸۸). «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، سال چهاردهم، شماره ۲۱، ص ۳۱-۲۲.
- سعیدان، اسماعیل (۱۳۸۸). *اصول و روش کاربردی ترجمه*، تهران: راهنما.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۹). *نگارش و ویرایش*، چاپ دهم، تهران: سمت.
- صفوی، کورش (۱۳۷۱). *هفت گفتار درباره ترجمه*، تهران: نشر کتاب ماد.
- عزیزی پور، محمدرضا (۱۳۷۹). «دراسة حول الأدب المهجری»، *مجلة زبان و علوم قرآن*، شماره ۳ و ۶، ص ۱۸۵-۲۰۰.
- عزیزی پور، محمدرضا (۱۳۹۳). *المصطلحات المتداولة فی الصحافة العربیة*، چاپ نهم، تهران: سمت.
- عزیزی پور، محمدرضا (۱۳۹۵). «نقد و بررسی کتاب *دراسة منهجية فی الترجمة الصحف والمجلات: العربیة - الفارسیة*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال شانزدهم، شماره ۴۳.
- عزیزی پور، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰). *صرف و نحو کاربردی*، تهران: علمی کالج.
- عزیزی پور، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۱). «وطن در شعر مقاومت فلسطین»، *فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، شماره ۴، ص ۹۳-۱۰۳.
- فاتحی نژاد، عنایت‌الله و بابک فرزانه (۱۳۸۲). *درآمدی بر مبانی ترجمه*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه.
- فاضلی، محمد و محمدحسن تقیه (۱۳۷۹). «روش صحیح در ترجمه (عربی به فارسی)»، *نشر مدارس*، سال چهارم، شماره سوم، ص ۷۶-۶۵.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *آیین نگارش مقاله علمی-پژوهشی*، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۰). *دستور خط فارسی*، چاپ دهم، تهران: نشر آثار.
- فقهی، عبدالحسین و حافظ نصیری (۱۳۸۹). «ارزیابی روشمند متون ترجمه شده از عربی به فارسی»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۷۱-۱۰۷.
- القاسمی، علی (۱۳۹۳). *الترجمة و ادواتها (دراسات فی النظریة و التطبيق)*، مکتبه لبنان ناشرون.
- کمالی، محمدجواد (۱۳۹۳). *اصول فن ترجمه*، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- معروف، یحیی (۱۳۹۲). *فن ترجمه (اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی)*، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- ملایری، یدالله (۱۳۹۳). «چالش‌های مترجم (نمونه پژوهی یک متن سیاسی - رسانه‌ای از عربی به فارسی)»، *فصلنامه جستارهای زبانی*، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۲۴۹-۲۷۰.
- منصوری، خلیل رضا و عدنان طهماسبی (۱۳۸۸). *دراسة منهجية فی الترجمة الصحف والمجلات: العربیة - الفارسیة*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲). «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثر بخش»، *پژوهش و نگارش*

- کتاب دانشگاهی، شماره ۲۹، ص ۱-۱۷.
- میرزا سوزنی، صمد (۱۳۹۶). ترجمه متون ساده، چاپ نهم، تهران: سمت.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۶). فن ترجمه (عربی - فارسی)، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۸). روزنامه‌ها و مجلات عربی: ترجمه متون مطبوعاتی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹). غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، چاپ پانزدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نصیری، حافظ (۱۳۹۰). روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، تهران: سمت.
- نوروززاده، رضا و ندا رضایی (۱۳۸۸). «پیش‌بایست‌ها و الزامات کتاب درسی دانشگاهی»، عیار، سال چهاردهم، شماره ۲۳، ص ۱۱۷-۱۳۸.
- نیکویخت، ناصر (۱۳۸۸). مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معیار، چاپ چهارم، تهران: نشر سرچشمه.
- یارمحمدیان، محمدحسین و همکاران (پاییز ۱۳۸۸). «ارزیابی کتاب‌های دانشگاهی علوم انسانی براساس شاخص‌های مطلوب کتاب‌های درسی دانشگاهی»، عیار، سال چهاردهم، شماره ۲۳، ص ۳۸-۶۰.